نگاهی به کارهای بر زمین مانده حوزه عاشورایی کودک و نوجوان

کتاب و نمایش عاشورایی کودک عقب‌تر از هیات

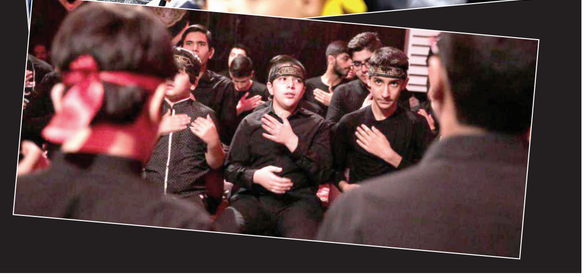

عاطفه جعفری
روزنامه‌نگار

قرار است از کودک و نوجوان بگوییم. از اینکه چه کارهایی برایشان انجام داده‌ایم تا مفهوم عاشورا و محرم را بهتر بشناسند. تصویری که از کتاب‌ها و تلویزیون در ذهن‌شان برای این موضوع نقش بسته، چقدر بوده است و تاثیرگذارترین تصویری که از مفهوم عاشورا دارند، چه چیزی است؟ برای نوشتن این موضوع به یک هیات نوجوانانه در جنوب تهران رفتم تا با صحبت و گزارش میدانی بیشتر از این موضوع بدانم، در کنار آن هم با علی کاشفی‌خوانساری نویسنده کودک و نوجوان گپ‌وگفتی داشتم تا برایمان از کتاب‌هایی بگوید که در این زمینه منتشر شده‌اند و چقدر این کتاب‌ها برای نسل جدید مفید است و می‌توانند بچه‌ها را آگاه کند. پرچم‌ها و بیرق‌های مشکی سرتاسر کوچه آویزان شده است. چیزی که بیشتر به چشم می‌خورد نام حضرت قاسم و علی‌اکبر است، چند پسر نوجوان با پیراهن مشکی و ماسک‌هایی که به صورت دارند در حال دود کردن اسفند در کوچه هستند. با دیدن‌شان متوجه شدم که راه را اشتباه نیامده‌ام و هیات قاسم‌ابن‌الحسن همین‌جاست. این هیات حدود پنج سال است در جنوب تهران دایر شده است.

از پسری که جلوی در ایستاده و درحال زدن عکس حاج‌قاسم سلیمانی روی یک پرچم است می‌پرسم: می‌خواهم با مسئول هیات صحبت کنم. صدایش را صاف می‌کند و می‌گوید: «بفرمایید.»

دوباره می‌گویم مسئول هیات شما هستید؟ سریع جواب می‌دهد: «بله. البته برادرم مسئول اصلی است ولی کارها را من انجام می‌دهم.» خودم را معرفی می‌کنم و می‌گویم برای نوشتن یک گزارش از هیات آمده‌ام. برق خوشحالی در چشم‌هایش می‌آید و می‌گوید: «اسم من علی است. ۱۲ ساله‌ام. هر سوالی داشته باشید جواب می‌دهم.» از هیات می‌پرسم و اینکه چرا برای نوجوانان است و دلیل این کار چه چیزی بوده؟

می‌گوید: «حدود پنج‌سال پیش، برادرم تصمیم گرفت این هیات را برای نوجوانان این محل برپا کند. قبل از آن به همین هیات کوچه پایینی می‌رفتیم اما حب اینجا الان بهتر است چون همه، هم‌سن و سال هستیم. برایمان فضای بهتری دارد.»

می‌گویم از چه سنی با هیات آشنا شده‌ای که می‌گوید: «خیلی کوچک بودم که با برادرم و مادرم از اول محرم به هیات می‌رفتیم. بعد هم که به مدرسه رفتم و در آنجا هم با شروع محرم، پرچم‌های سیاه را دور مدرسه می‌زدیم و یک هیات کوچک در آنجا داشتیم.»

می‌پرسم به نظرت چه چیزهایی بهت کمک کرده که مفهوم محرم و عاشورا را بهتر درک کنی؟ مدرسه؟ کتاب؟ تلویزیون؟ کدام یکی بیشترین تاثیر را داشته؟

کمی فکر می‌کند و می‌گوید: «هیچ‌کدام. مادرم. ما همیشه در خانه‌مان قبل محرم برنامه داشتیم. مادرم یک هفته به محرم، پارچه‌های مشکی را آماده می‌کرد که ما در کوچه نصب کنیم. اوایل هیچ چیزی نمی‌دانستم. تا کم‌کم مادرم برایم از کربلا گفت و از سختی‌هایی که امام حسین(ع) در آن روز کشیدند. البته کتاب هم خودنده‌ام. ولی بیشتر مادرم این مساله را یاد من و برادرم داد.»

یکی از بچه‌های هیات صدایش می‌کند و عذرخواهی می‌کند تا برود کارش را انجام بدهد. و می‌گوید دوستانش را برای گفت‌وگو می‌آورد.

نگاهی به داخل هیات می‌اندازم که حدود ۵۰ نفری هستند و در فضای باز با فاصله نشسته‌اند و یک روحانی درحال سخنرانی است و با دقت گوش می‌دهند.

یک نفر صدایم می‌کند و برمی‌گردم و علی را می‌بینم که با چند نفر از دوستانش آمده تا با آنها گفت‌وگو کنم. معرفی‌شان می‌کند و می‌گوید: «خانم. حتما با آرش صحبت کنید. آرش هم‌محله‌ای ما نیست و از شمال تهران می‌آید آن هم به عشق حضرت‌قاسم(ع).»

نگاهی به آرش می‌اندازم و می‌خواهم با سنش را بگوید و اینکه چرا به هیات می‌آید. او می‌گوید: «۱۵ ساله هستم. مغازه پدرم نزدیک همین هیات است و بارسال هم چندباری که به مغازه آمده با این هیات آشنا شدم و از بعد آن همیشه می‌آیم اینجا.»

بعد از کمی گپ‌وگفت، همان سوالی که از علی کردم را از آرش هم می‌پرسم، اینکه برای اولین‌بار کجا نام عاشورا و امام حسین(ع) را درک کرده و چه کسی او را با داستان کربلا و شهادت امام حسین(ع) و یارانش آشنا کرد؟ و می‌گوید: «پدربزرگم همیشه اول محرم در خانه‌شان هیات داشت. من خیلی کوچک بودم اما یادم است که همه در منزل پدربزرگم جمع می‌شدند. اصلا نمی‌دانستم که چه اتفاقی افتاده اما خوشحال بودم که همه دور هم جمع هستیم. تا اینکه بزرگ‌تر شدم و به مدرسه رفتم و در مدرسه و کتاب‌های درسی‌مان بیشتر با اسم امام حسین(ع) آشنا شدم. البته بازهم چیز زیادی نمی‌دانستم، اینکه در کربلا چه اتفاقی افتاده و چرا امام حسین(ع) شهید شده است. تا اینکه با این هیات آشنا شدم. اینجا سخنرانی داریم که هر سال برایمان صحبت می‌کند و کاملا این ماجرا را توضیح داد که چه اتفاقی در کربلا افتاده، من خودم سوالات زیادی داشتم و سخنران ما به بیشتر آنها جواب داد. حتی در طول سال هم ما اگر سوالی داشته باشیم، ماهی یک‌بار در این هیات جمع می‌شویم و می‌توانیم جواب سوال‌هایمان را پیدا کنیم.»

از کتاب یا برنامه‌های تلویزیونی می‌پرسم که توانسته کمکی به فهم بیشترش در این موضوع کند که می‌گوید: «تلویزیون که اصلا. خب تلویزیون مداحی و اینها زیاد نشان می‌دهد اما اینکه برنامه‌ای باشد که سوال‌های ما را جواب بدهد، تقریبا وجود ندارد. اما خب تعدادی کتاب را حاج‌آقا معرفی کرد و تعدادی هم برادر علی برای ما تهیه کرد که کتاب‌های خوبی بودند.»

وسط حرف‌های آرش یکی از بچه‌هایی که به حرف‌هایمان گوش می‌دهد یک دفعه می‌گوید: «تلویزیون، مختار نشان می‌دهد و من دوست دارم.»

از او می‌خواهم که صحبتش را ادامه دهد و خودش را امیرعلی و ۱۳ ساله معرفی می‌کند و می‌گوید: «من سال گذشته سریال مختارنامه را نگاه کردم. البته قبل از نگاه کردن سریال، حاج‌آقا برایمان از این سریال گفته بود و ما در مورد شخصیت‌های این سریال تحقیقاتی انجام داده بودیم. اما خوبی دیدن این سریال این بود که، همه آن چیزی که در تحقیق‌هایمان به آن رسیده بودیم را در شکل فیلم دیدیم و این خیلی برایم جالب بود.»

از بچه‌ها در مورد دوستان‌شان در مدرسه می‌پرسم و اینکه همه داستان کربلا را می‌دانند که می‌گویند: «ببینید ما در درس‌هایمان داستان کربلا را داریم و خب همه تقریبا با این موضوع آشنا هستند اما ما چون در هیات هستیم، حاج‌آقا برایمان صحبت می‌کنند خیلی مسائل بیشتری را می‌دانیم. مثلا آرش از مدرسه‌شان تعریف می‌کرد و دوستانش که بعضی‌هایشان حتی اینکه چرا امام حسین(ع) به سمت کربلا رفتند را نمی‌دانند. حاج‌آقا همه این موضوعات را برای ما تعریف کرده، تقریبا هر سوالی داشتیم برایش کتاب معرفی می‌کرد و خودش هم توضیح می‌داد. اما خب، بچه‌ها در مدرسه اگر سوالی هم بود، می‌پرسیدند معلم‌ها حوصله جواب دادن نداشتند و فقط می‌گفتند که هر چیزی که در کتاب‌هایمان آمده است را بخوانیم و به بقیه مسائل کاری نداشته باشیم. برای همین خیلی‌ها اصلا داستان کربلا را نمی‌دانند.»

حرف‌های امیرعلی تمام می‌شود و یکی دیگر از بچه‌ها که خودش را محمدحسین معرفی می‌کند و یک‌جورهایی بزرگ این جمع است جلو می‌آید. مدرسه‌اش تمام شده و سال اول دانشگاه است و معتقد است که خانواده مهم‌ترین نقش را در معرفی مفهوم عاشورا و کربلا دارد. او می‌گوید: «اگر با اکثر این بچه‌ها صحبت کنید دقیقا به همین مساله می‌رسید که خانواده باعث این شده است که آنها با ماجرای عاشورا آشنا شوند، وگرنه مدرسه یا صداوسیما تاثیر زیادی ندارند. حتی کتاب خواندن تنها هم نمی‌تواند این بینش را به بچه‌ها بدهد باید کسی باشد تا خیلی از سوال‌ها را جواب بدهد.»

یک نفر بچه‌ها را صدا می‌کند تا وارد هیات بشوند و کارهایشان را انجام دهند. اما به راستی نقش محصولات فرهنگی و به‌خصوص رسانه ملی در انتقال مفاهیم ارزشمند قیام عاشورا چیست؟ این بچه‌ها دریافت‌شان از محرم و عاشورا، همان تصویری است که از سوی خانواده و هیات‌ها ترسیم شده است و حتی برای سوال‌هایی که دارند شاید جواب درستی هم از طریق کتاب و تلویزیون و انیمیشن پیدا نکنند.

کودکی و نوجوانی به رنگ محرم

یک قاب و چند کتاب عاشورایی

۱۰ قصه عاشورایی برای بچه‌ها

در این کتاب با حذف نام شخصیت‌ها از قصه و استفاده از صفت به‌جای آن سعی شده به‌نوعی از تکرار پرهیز شود.

در این کتاب ۱۰ شخصیت تاثیرگذار در واقعه عاشورا که در این واقعه مؤثر بودند و شهید شدند به‌عنوان محور این قصه‌ها انتخاب شده و برای مخاطبان کودک در گروه سنی ج، نوشته شده‌اند.

در این قصه‌ها هیچ‌کدام از شخصیت‌ها با نام خودشان آورده نشده‌اند. هر شخصیت برای خود صفتی دارد که با آن صفت در قصه معرفی می‌شود و این موضوع باعث می‌شود مخاطب در مواجهه با این قصه‌ها حس نکند با داستانی تکراری روبه‌رو است.

داستان‌های این مجموعه با استفاده نکردن از نام حقیقی شخصیت‌ها و نیز اشاره‌ای که به حادثه عاشورا دارند، فرمی تازه در روایت به خود گرفته‌اند که برای مخاطب کودک و نوجوان این داستان‌ها بدیع و جذاب است. این کتاب توسط فریبا کلهر نوشته شده است.

مجموعه ۷ جلدی بچه‌های عاشورا

«بچه‌های عاشورا» دربرگیرنده داستان‌های کوتاهی است که طی آنها سرگذشت کودکان و نوجوانان کاروان امام حسین(ع) در کربلا جداگانه بازگو می‌شود. تصویرگری این مجموعه، توسط مسعود قربانعلی انجام شده است. در این مجموعه رشادت‌ها و دلیری‌های شهدای کودک و نوجوان کربلا نقل شده است. «شمشیر و اسب زخمی»، «اسیران کوچک»، «مرد و میدان»، «کوچه کوچه»، «جنگجوی کوچک»، «از غریبه‌ها می‌ترسم» و «عطش و آتش» عناوین این مجموعه هفت‌جلدی هستند. شمشیر و اسب زخمی داستان شهامت عمرو، فرزند جناده بن حارث سلمانی در سرزمین کربلا است. در جلد دیگر با عنوان اسیران کوچک، روایت حماسه و شهادت اندوهناک طفلان مسلم‌بن عقیل بازگو شده است. در کتاب مرد و میدان، بازخوانی شهامت‌های قاسم فرزند نوجوان امام حسن مجتبی(ع) در کربلا روایت می‌شود و در کتاب کوچه کوچه چگونگی شهادت قاسم فرزند حبیب‌بن مظاهر، یار باوفای امام‌حسین(ع) در واقعه کربلا درج شده است. جلد دیگر این مجموعه با نام جنگجوی کوچک داستان رشادت‌های عبدالله فرزند امام‌حسن مجتبی(ع) در واقعه کربلا است و «از غریبه‌ها می‌ترسم» هم داستان محمد فرزند سعید بن عقیل در واقعه کربلا را شامل می‌شود.

انیمیشن ناسور

انیمیشن سینمایی «ناسور» سومین ساخته کیانوش دالوند است. این انیمیشن با موضوع قیام عاشورا ساخته شده است. ناسور، روایتی از حماسه عاشورا است که این حماسه با محوریت انتخاب، وقایع این حادثه عظیم را به‌تصویر می‌کشد و به‌عبارت دیگر، ناسور راوی جراحتی است که از شهادت مظلومانه امام‌حسین(ع) و یاران ایشان در دل همه آزادی‌خواهان جهان ایجاد شده است. این انیمیشن، روایت زندگی عبیدالله بن حر جعفی یکی از کوفیانی است که از امام‌حسین(ع) دعوت کرده تا به کوفه بیایند و زمانی که می‌شنود سپاه امام به کوفه نزدیک شده است، از این شهر خارج می‌شود تا با ایشان روبه‌رو نشود، اما از بد حادثه به‌صورت کاملا ناگهانی با ایشان روبه‌رو شده و محبور می‌شود دست رد به سینه امام بزند. از سوی دیگر نیز واقعه کربلا بخش اعظمی از داستان ناسور را دربر می‌گیرد.

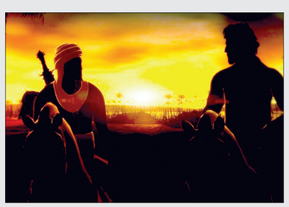

چند کتاب خوب برای نوجوانان

از انتشارات جمکران دو کتاب داستانی نیز منتشر شده است. کتاب «خون خدا» که با روایتی داستانی و با شیوه‌ای متفاوت زندگی امام حسین(ع) را از زمان کودکی تا شهادت ایشان و نیز اتفاق‌های پس از شهادت را هم نقل می‌کند. این کتاب را حسن محمدی نوشته است. نویسنده در این کتاب به زمان جوانی ایشان هم پرداخته و توانسته تصویر دقیق و روشنی از شیوه زندگی آن حضرت ارائه دهد.

«بچه‌های فرات» نوشته لیلا قربانی نیز برای گروه سنی نوجوان توسط انتشارات جمکران به چاپ رسیده است. بچه‌های فرات، داستان آدم‌هایی است که می‌خواهند خود را به امام‌حسین(ع) برسانند و با اینکه نمی‌توانند به واقعه عاشورا برسند، اما در راه ایشان شهید می‌شوند.

کتاب «فراموشان» واقعه عاشورا و روزهای بعد از آن را به شیوه‌ای متفاوت روایت می‌کند. همان‌گونه که از نام کتاب پیداست، این کتاب واقعه عاشورا را از زبان فراموش‌شدگان بیان می‌کند؛ از زبان کسانی که در آن روزها بودند و تأثیر گذاشتند، اما نام‌شان کمتر برده شده یا اصلا نامی از آنها به میان نیامده است. درنهایت، این روایت‌ها ما را به واقعه عاشورا می‌رساند.

کتاب فراموشان را داود غفارزادگان نوشته و انتشارات قدیانی منتشر کرده است.

کتاب «خداحافظ درختان سرو» از مژگان شیخی نوشته و زندگی حضرت زینب سلام‌الله‌علیها را روایت کرده است. حضرت زینب(س) نقش بسیار پررنگ و تأثیرگذاری در روشنگری واقعه کربلا داشتند. ایشان با روایت آن روزها و بیان هدف امام‌حسین(ع) از قیام علیه حکومت یزید، نام و یاد امام‌حسین(ع) را زنده نگه داشتند. در این زندگینامه به حوادث و اتفاق‌های تاریخ اسلام از زمان تولد تا زمان فوت ایشان با روایتی روان و مناسب اشاره شده است. این کتاب برای جوانان منتشر شده که مناسب گروه سنی نوجوان نیز است.

ادامه در صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۲

یادداشت شفاهی

علی کاشفی‌خوانساری، نویسنده کودک و نوجوان در گفت‌وگو با «فرهیختگان»

کتاب خوبی که بچه‌ها را با مفهوم اصلی عاشورا آشنا کند، نداریم

علی کاشفی‌خوانساری، نویسنده کودک و نوجوان است. او تاکنون بیش از صد جلد کتاب در حوزه مسائل نظری ادبیات کودک و نوجوان، تاریخ ادبیات و مطبوعات کودکان ایران منتشر کرده است. با او هم‌صحبت شدیم تا برایمان از ملاحظات تولید آثار عاشورایی مختص کودک و نوجوان بگوید و اینکه در حوزه ادبیات چه کتاب‌هایی برای کودکان و نوجوانان طراحی شده است. آنچه می‌خوانید یادداشت شفاهی کاشفی خوانساری است.

عاشورا یک مفهومی است که مصادیق متعددی می‌تواند داشته باشد و ساحت‌های مختلفی پیدا کند. ممکن است سوال کنید که چه ضرورتی دارد بچه‌ها با این موضوع آشنا شوند؟ یک زمانی از منظر اطلاعات دینی، به این سوال پاسخ می‌دهند که بچه‌ها بدانند امام حسین(ع) به چه صورتی و در چه حادثه‌ای به شهادت رسیده است. در مدل تبیین، اطلاعات معطوف به داده‌های تاریخی است. نقطه‌نظر دیگری هم وجود دارد که متصل به فرهنگ عامیانه و آیین‌های ماست یعنی ایرانی‌ها توجه ویژه‌ای به این مناسبت تاریخی دارند و برای این مناسبت برنامه‌های مختلفی را جزء آداب و رسوم خود می‌دانند و برنامه‌های مختلفی اعم از عزاداری، توسل‌ها، زیارت، شبیه‌گردانی‌ها و... در فرهنگ مردم جا دارد و انجام می‌شود. اما به نظر من از همه این موارد مهم‌تر، مفهوم اصلی عاشورا و آن چیزی که دانستن آن می‌تواند در زندگی بچه‌ها موثر و در شکل‌گیری شخصیت آنها تاثیرگذار باشد، چیز دیگری است و آن هم برمی‌گردد به ارتباط معنوی فرد با مفهوم امام. این که امام را بهتر بشناسیم و بدانیم چه جایگاهی در تصور، فرهنگ و تفکر ما دارد. انتقال این مفهوم مهم است که بگوییم امام حسین(ع) وقتی با یک ظلم، تحریف بزرگ، دروغ و مردم‌فریبی مواجه شد چگونه از همراهی با آن سر باز زد یا وجود اینکه این عقیده‌اش به قیمت از دست دادن جان خود و همراهانش تمام شد و خانواده‌اش هم به اسارت افتند.

اگر کتاب‌های کودک و نوجوان امروز را ببینیم، حجم و کمیت کتاب‌های عاشورایی بسیار زیاد است. اکثر این کتاب‌ها کوشیده‌اند آن داستان یا بخشی از آن داستان‌ها و یکی از شخصیت‌های بزرگ در این واقعه را به‌شکل داستانی و روایی همراه با آرایه‌های ادبی و جملات حسی و تاثیرگذار منتقل کنند. نتیجه چنین متن‌هایی می‌تواند به ایجاد علاقه در کودکان بینجامد یعنی اینکه شخصیت یا شخصیت‌هایی را دوست داشته باشند. این اتفاق خوبی است اما کافی نیست. فراتر از دوست داشتن یا احساس علاقه کردن بحث شناخت امام است که باید شکل بگیرد که بتواند بینش بچه‌ها نسبت به دنیا و منش و رفتار آنها را شکل دهد، با این گزاره‌های احساسی و روایت ساده اتفاقات یک جنگ حاصل نمی‌شود.

واقعیت این است که افراد حاضر در کربلا و اصحاب امام حسین(ع) و ارزش وجودی آنها صرفا به‌دلیل شجاعت و سلحشوری آنها نیست. چقدر در طول تاریخ وجود دارند افراد دیگری که جگاورتر، دلاورتر و سلحشورتر بودند. در فرهنگ‌های مختلف در کشورهای مختلف ممکن است چنین افرادی پیدا شوند که دلاوری، سلحشوری و شجاعت برتری به این افراد داشته باشند.

ارزش این اتفاق در ظلم و جوری که نسبت به این خاندان روا شده، نیست. همین امروز در گوشه و کنار دنیا یا در جنگ‌های مختلف تاریخ بسیار جنایت‌ها و خونریزی‌ها، قتل و غارت‌ها رخ داده که رقت‌آورتر و دلسوزانه‌تر از آن حادثه است. علت اهمیت آن حادثه همان تصویری است که از سوی خانواده و هیات‌ها ترسیم شده است و حتی برای سوال‌هایی که دارند شاید جواب درستی هم از طریق کتاب و تلویزیون و انیمیشن پیدا نکنند.

بی‌شرمانه‌تری در طول تاریخ با اسرای جنگی رخ داده و هنوز هم شاید این اتفاق رخ دهد. ارزش آن اتفاق و پیام اصلی عاشورا چیزی است که در هر داستان و روایتی از آن غفلت می‌شود، که یک مفهوم برای امام و ولی خدا در نظام هستی تعریف شده و آدم‌ها با شناختن ولی خدا و تبعیت از او چگونه می‌توانند در مسیر کمال خود و کسب رضایت الهی قدم بردارند.

مساله مهم این است که یک ولی خدا چگونه با اتفاقات زمانه خود مواجه می‌شود؟ در کجا سکوت می‌کند؟ در کجا اعتراض می‌کند؟ کجا تذکر می‌دهد؟ در جایی که تحریف و دروغ و عوام‌فریبی بزرگی را می‌بیند، با آن همراه نمی‌شود و آن را تایید نمی‌کند حتی به قیمت کشته شدن خود، خانواده و یاران خود باشد.

درحقیقت می‌توان گفت با وجود کمیت بسیار زیاد کتاب‌های عاشورایی در میان کتاب‌های کودک و نوجوان تقریبا کتابی که با زبان و بیانی کودکانه و متناسب سلیقه و فهم بچه‌ها آنها را با مفهوم اصلی عاشورا و این اتفاق آشنا کند، نداریم. شاید یک علت به این برگردد که همیشه سعی شده در قالب ادبیات چنین مفهومی منتقل شود و خاصیت شعر و داستان اثرگذاری بر احساس آدم‌هاست و خیلی این قالب‌ها کشش بحث‌های منطقی و تفکر خالص را ندارند.

شاید جا دارد در قالب کتاب‌های غیرداستانی و مجزا، ساده و کودکانه این مفهوم به کودکان منتقل شود. درحقیقت می‌توان گفت از منظر آسیب‌شناسی کتاب‌های عاشورایی کودک و نوجوان گرچه آثار ادبی ارزشمند، تاثیرگذار و از نظر ادبی متین پدید آمده و براساس نیت پدیدآورندگان آنها حتما نویسندگان آن نزد خداوند ماجور خواهند بود، اما عملا ما به جز انتقال یک‌سری اطلاعات تاریخی و در کنار آن قدری بحث‌های احساسی که حتی شاید برخی از آنها مستندات تاریخی هم نداشته باشند و درمورد حقیقی بودن آن نمی‌توان اطمینان کامل داشت، درباره اصل مفهوم عاشورا و جایگاه امام و ولی خدا در میان مردم و نگاه حضرت سیدالشهدا(ع) به این واقعه و عملکرد ایشان در این برهه شاید بتوان گفت کار قابل‌توجهی در دست نداریم. اما درمورد اینکه راهکار این موضوع چه چیزی می‌تواند باشد که ما در کتاب‌هایمان، این راهکار را لحاظ کنیم، یک مطلب این است که شاید باید به روایت در کنار آثار ادبی یعنی شعر و داستان به‌طور جدی در قالب آثار غیرتخیلی برای بچه‌ها در این زمینه فکر کنیم. باید توجه داشته باشیم برای خلق چنین آثاری به به‌تنهایی تخصص در ادبیات کودک و نوجوان کافی است و نه به‌تنهایی تخصص در حوزه علوم دینی یا تاریخی. اینها بحث‌های معرفتی است که حتما نیازمند تامل و تعمق بیشتر از سوی نویسندگان است و تا وقتی کسی خود به‌طور دقیق در این موضوع جست‌وجو نکرده و با توجه به منابع اصیل به برخی حقایق دسترسی پیدا نکرده باشد طبیعتا نمی‌تواند این کار را انجام دهد. بسیاری از نویسندگان ما براساس محبتی که در دل خود نسبت به اهل بیت(ع) دارند، بدون اینکه کوچک‌ترین اطلاعات درباره فلسفه و دین و معارف اسلامی و حکمت‌های مربوط به اهل بیت(ع) داشته باشند صرفا با شنیده‌های خود که در کودکی و جاهای دیگر در برنامه‌های تلویزیونی یا در مدرسه و احیانا مجالس عمومی مذهبی و عزاداری شنیده‌اند، براساس همان شنیده‌ها عناصر روایی، ادبی، زیبایی‌شناسانه را به آنها اضافه می‌کنند و اثری را ارائه می‌دهند. تقریبا کمتر نویسنده کودک و نوجوانی برای خلق چنین آثاری سراغ منابع دست اول می‌رود، سراغ بحث‌های حکمی و ولایی می‌رود که باید آن را در آیات قرآن، در میان احادیث، در میان برخی مناجات‌ها که درباره جایگاه واقعی امام و نقشی که می‌تواند برای مردم ایفا کند، جست‌وجو کند. صرفا با اتکا به شنیده‌ها اثری را تنظیم کردن و نوشتن نمی‌تواند راهگشا باشد.

گفت‌وگو

«فرهیختگان» در گفت‌وگو با محمد سرشار، مدیر شبکه پویا بررسی کرد

راه‌های انتقال مفاهیم عاشورایی به کودکان و نوجوانان

سیدمهدی موسوی‌تبار
روزنامه‌نگار

بدیهی است که در هر دوره‌ای شکل و نوع تربیت کودکان و نوجوانان دچار تغییراتی شده و این روال در آینده هم ادامه خواهد داشت. مفاهیم اخلاقی و تربیتی اما عنصر ثابت این دوره‌ها بودند، هرچند این مفاهیم هم فراز و فرودهایی داشته‌اند. یکی از مفاهیمی که عضو ثابت مسائل تربیتی و رفتاری خانواده و فرد بوده، مفهوم عاشورا، امام حسین(ع) و کربلا بوده است. این سه کلمه درواقع یک منظومه فکری ساخته که در طول قرن‌ها وجود داشته است و بعد از این هم خواهد بود. اما مساله مهم راه‌های انتقال این مفاهیم به نسل‌های تازه است. طبیعی است که کودکان دهه ۹۰ با بچه‌های دهه ۶۰ تفاوت دارند؛ پس منطقی است که شیوه‌های تربیتی هر دهه هم تفاوت داشته باشند. رسانه‌ها در دهه اخیر تغییراتی کرده و ابزارهای جدیدتری به بازار آمده‌اند. ابزارهایی که هرکدام ظرفیت‌های بیشتر و بهتری دارند و می‌توانند به مربیان و خانواده‌ها کمک بکنند، هرچند میزان و نوع استفاده از این ابزارها هم باید مدیریت شوند.

به این بهانه با محمد سرشار، مدیر شبکه پویا هم‌صحبت شدیم تا ابزار و کانال‌های رساندن مفاهیم دینی و به‌طور خاص عاشورایی به کودکان و نوجوانان را بررسی کنیم.

راه‌های انتقال مفاهیم عاشورایی و امام حسینی به کودک و نوجوان در دهه‌های مختلف متفاوت بوده و ابزارهای رسانه‌ای نیز همزمان متفاوت شده‌اند. با توجه به این تغییرات چگونه باید این مفاهیم را از نظر فرم و محتوا به کودک و نوجوان منتقل کرد؟

واقعه عاشورا واقعه بسیار بزرگی است که در طول تاریخ هم بشر براساس میزان فهم و درک خود توانسته به بخش‌ها و ابعادی از این حماسه اشراف یابد و در زندگی خود از آن استفاده کند. این مساله درباره بحث تربیت کودک و نوجوان و بهره‌گیری آنها از مسائل حسینی نیز مطرح است. یعنی در دوره زمانی به تناسب نیازهای مخاطب یک تلاشی باید انجام شود تا درک و فهم متناسبی از آن واقعه ارائه شود.

در چنین شرایطی وظیفه مربیان و والدین این است که احوال فرزندان خود را رنظر بگیرند و براساس نیازهایی که دارند متوجه می‌شوند باید به چه ابعادی از واقعه کربلا بیشتر پرداخته شود و به چه نوعی بطور جدی در قالب آثار غیرتخیلی برای بچه‌ها در این زمینه فکر کنیم. باید توجه داشته باشیم برای خلق چنین آثاری به به‌تنهایی تخصص در ادبیات کودک و نوجوان کافی است و نه به‌تنهایی تخصص در حوزه علوم دینی یا تاریخی. اینها بحث‌های معرفتی است که حتما نیازمند تامل و تعمق بیشتر از سوی نویسندگان است و تا وقتی کسی خود به‌طور دقیق در این موضوع جست‌وجو نکرده و با توجه به منابع اصیل به برخی حقایق دسترسی پیدا نکرده باشد طبیعتا نمی‌تواند این کار را انجام دهد. بسیاری از نویسندگان ما براساس محبتی که در دل خود نسبت به اهل بیت(ع) دارند، بدون اینکه کوچک‌ترین اطلاعات درباره فلسفه و دین و معارف اسلامی و حکمت‌های مربوط به اهل بیت(ع) داشته باشند صرفا با شنیده‌های خود که در کودکی و جاهای دیگر در برنامه‌های تلویزیونی یا در مدرسه و احیانا مجالس عمومی مذهبی و عزاداری شنیده‌اند، براساس همان شنیده‌ها عناصر روایی، ادبی، زیبایی‌شناسانه را به آنها اضافه می‌کنند و اثری را ارائه می‌دهند. تقریبا کمتر نویسنده کودک و نوجوانی برای خلق چنین آثاری سراغ منابع دست اول می‌رود، سراغ بحث‌های حکمی و ولایی می‌رود که باید آن را در آیات قرآن، در میان احادیث، در میان برخی مناجات‌ها که درباره جایگاه واقعی امام و نقشی که می‌تواند برای مردم ایفا کند، جست‌وجو کند. صرفا با اتکا به شنیده‌ها اثری را تنظیم کردن و نوشتن نمی‌تواند راهگشا باشد.

ما در حوزه هنری واقعه عاشورا را برای رده سنی کودک در قالب انیمیشن روایت کردیم، سنی که بچه‌ها متوجه می‌شوند انتخاب‌های مختلف نتایج مختلفی دارد و پیامدها با هم فرق می‌کند، دقیقا چهار قسمت انیمیشن تولید کردیم که درباره چهار شخصیت مهم واقعه عاشورا بود. فرد خوبی که تصمیم می‌گیرد خوب بماند، فرد خوبی که تصمیم می‌گیرد بد شود، فرد بدی که تصمیم می‌گیرد خوب شود و فرد بدی که تصمیم می‌گیرد بد بماند و نتایج این چهار انتخاب را نمایش دادیم. در هر رده سنی این مسائل با هم متفاوت است و گرایش مخاطب نقشی کلیدی دارد.

یعنی اصل بر مخاطب است و نمی‌توان و نباید یک نسخه کلی برای همه رده‌ها و در دوره‌های مختلف نوشت؟

بله، درواقع دوبال «مخاطب‌شناسی» و «نیاز» داریم. این دو را باید با هم تلفیق کنیم و اگر این دو با هم هماهنگ نباشند پرواز اتفاق نمی‌افتد. در هر رده سنی آن ذائقه مخاطب، به درده‌های سنی و چه در دوره‌های تاریخی مختلف متفاوت است. به‌عبارت دیگر گرایش نوجوان دهه شصتی با گرایش نوجوان دهه هفتادی یا گرایش نوجوان دهه هشتادی متفاوت است و از طرف دیگر کودک دهه ۹۰ با نوجوان دهه ۹۰ با خردسال دهه ۹۰ گرایش‌های متفاوتی دارند. این پیچیدگی کار تربیت را نشان می‌دهد. مربی همانند پزشک حاذق وضعیت متربی را بررسی می‌کند و براساس اقلام فرهنگی و محتواهای رسانه‌ای و... شبیه داروها برای او نسخه خاص می‌پیچد. این مربی یک زمانی پدر و مادر است و این نسخه که می‌پیچد فقط برای فرزندان خود اوست. مربی یک زمانی معلم کلاس برای ۳۰-۲۰ دانش‌آموز این نسخه را می‌پیچد. یک زمانی هم در رسانه برای میلیون‌ها مخاطب است. این تفاوتی است که این مساله در رده‌های مختلف سنی دارد.

با توجه به صحبت‌های شما و در مقام ارزشگذاری امر مذموم و بدی نیست اینکه حتی اگر یک بازی رایانه‌ای بتواند مفاهیم عاشورایی را به بچه‌ها منتقل کند؟

خیر، هرکدام به سهم خود می‌توانند این کار را انجام دهند. خطرناک نیست ولی باید دقت کنیم که هر قالب رسانه‌ای همانند ظرف است. عمق محتوایی که منتقل می‌کند با قالب دیگر متفاوت است. عمق محتوایی که یک سریال می‌تواند منتقل کند با یک فیلم سینمایی و نماهنگ و بازی رایانه‌ای و یا کتاب و... متفاوت است. خطا موقعی اتفاق می‌افتد که توقعی که از کتاب داریم از نماهنگ داشته باشیم، توقعی که از یک سریال داریم از بازی رایانه‌ای داشته باشیم. البته در هر عرصه‌ای افراط و تفریط وجود دارد و طبیعتا و به‌مرور زمان قالب‌ها و تجربیاتی ماندگار می‌شود که توانسته باید استاندارد درستی را رعایت کند و براساس آن جلو برود.

عده‌ای اعتقاد دارند همین که کودکان و نوجوانان مشکی می‌پوشند و یا به آیین‌ها و مظاهر ماه محرم توجه دارند، کفایت می‌کند و اگر با همین روحیه بزرگ شوند، کافی است امام حسینی بمانند. نظر و تحلیل شما درباره این نگاه چیست؟

این امر دو وجه عرفانی و تکلیفی نسبت به بزرگ‌تر ها دارد. در بحث عرفانی نکته مهم این است که سفره کرم این بزرگواران اهل بیت آنقدر وسیع است که مشهور است کسی اگر گردی از این راه بر سر و تن او نشسته باشد، مشمول عنایت و شفاعت این بزرگواران قرار می‌گیرد و دست او را می‌گیرند

این مفاهیم را باید چطور منتقل کرد؟

در هر دوره سنی میل مخاطب باید شناسایی شود و گرایش او را بشناسیم. خود ما در حوزه هنری کودک و نوجوان واقعه عاشورا را برای رده سنی کودک در قالب انیمیشن روایت کردیم. سنی که بچه‌ها متوجه می‌شوند انتخاب‌های مختلف نتایج مختلفی دارد و پیامدها با هم فرق می‌کند، دقیقا چهار قسمت انیمیش